



آگاه و نمونه جامع و کاملی از قرآن عملی و مظهري از تبيان به كلّ شيء؛ در پايان بايد توجه داشت كه اين شهادت را هنگامه محشر توسط انبياء و امامان درباره اعمال بندگان با گواه بودن خداوند و فرشتگان و نيز، اعضاء و جوارح آدميان، مانعة الجمع نبوده و منافاتی نيست؛ زيرا هر يك در جای خود معتبر است و بجا.

\*\*\*

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾ (۱۴۶).

كسانی كه ما ایشان را كتاب عطا كردیم [تورات و انجيل] می شناسند محمد ﷺ را [به پیامبری] هم چنان كه می شناسند فرزندان خویش را و همانا دسته ای از آنان هر آینه حق را پنهان می دارند و حال آن كه می دانند.

﴿الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ﴾ (۱۴۷).

درستی و راستی، استواری و ثبات، از جانب خدای تو است پس تو مباش البته از جمله تردید کنندگان.

﴿وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مَوْلَاهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تُكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (۱۴۸).

و [هر] گروهی راسوئی است [قبيله ای] كه خدا گرداننده است به آن سوی، پس بشتابید و از هم پیشی گیرید به نیکی ها، هر كجا باشید همگی شما را خدای آورد، زیرا، خداوند بر هر چیز توانا است.

﴿وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لِلْحَقِّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (۱۴۹).

و از هر كجا بیرون شوی پس چهره خویش به سوی مسجد الحرام به گردان، كه آن هر آینه راست و درست از جانب پروردگار تو است و خدا نيست بی خبر از آنچه می کنید.

﴿وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثَمَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ



شطره لئلا يكون للناس عليكم حجة إلا الذين ظلموا منهم فلا تخشوهم واخشوني  
ولا تم نعمتي عليكم ولعلمكم تهتدون ﴿ (١٥٠) .

و از هر کجا بیرون روی، پس روی خود به جانب مسجد الحرام به گردان و در هر  
جا که باشید پس چهره های خود به سوی آن به گردانید تا این که نباشد برای مردم به  
زیان شما هیچ برهان و حجّتی، مگر کسانی که ستم نمودند، پس از ایشان مترسید و از  
من بیم دارید تا این که تمام کنم بر شما نعمت خویش، باشد که رهنمون گردید.

﴿ كما أرسلنا فيكم رسولا منكم يتلوا عليكم آياتنا ويزكيكم ويعلمكم الكتاب والحكمة  
ويعلمكم ما لم تكونوا تعلمون ﴾ (١٥١)

همین گونه فرستادیم در میان شما از نژاد خودتان فرستاده ای، که بر شما می خواند  
آیاتمان را و شما را پاک می سازد و کتاب و دانش را به شما آموزش می دهد و بیاموزد به  
شما آنچه را که نمی دانستید.

﴿ فاذكروني اذكرکم واشکروا لی ولا تکفرون ﴾ (١٥٢)

پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاس دارید و نا سپاسیم مکنید.

### لغت

«امتراء»: شك کردن، به گمان افتادن، تردید داشتن، دودل شدن، حدس و تخمین  
زدن، گرفتار پندار و خیال شدن.

«وجهة»: کنار، سوی، جهت، جانب.

«استباق»: پیشی گرفتن، شتاب کردن، جلو افتادن از یکدیگر.

«تزکيه»: پاک و پاکیزه ساختن، تمّو بخشیدن، ودر مورد، پاکیزه ساختن روح از هر  
گونه آلودگی و زشتی اخلاقی و عملی، و تمّو و رفعت بخشیدن اندیشه و فکر بشری.  
«حکمت»: دانشی که کردار راست و درست را به آدمی امکان می دهد.

### [ادامه مخالفت یهود جرم و خیانت است]

چون اهل کتاب را در تبلیغات سوء بر علیه مسلمین پیوسته اصرار و ابرامی بود و به

شطره لئلا يكون للناس عليكم حجة إلا الذين ظلموا منهم فلا تخشوهم واخشوني  
ولا تم نعمتي عليكم ولعلمكم تهتدون ﴿ (۱۵۰) .

و از هر کجا بیرون روی، پس روی خود به جانب مسجدالحرام به گردان و در هر  
جا که باشید پس چهره های خود به سوی آن به گردانید تا این که نباشد برای مردم به  
زیان شما هیچ برهان و حجّتی، مگر کسانی که ستم نمودند، پس از ایشان مترسید و از  
من بیم دارید تا این که تمام کنم بر شما نعمت خویش، باشد که رهنمون گردید.

﴿ كما أرسلنا فيكم رسولا منكم يتلوا عليكم آياتنا ويزكيكم ويعلمكم الكتاب والحكمة  
ويعلمكم ما لم تكونوا تعلمون ﴾ (۱۵۱)

همین گونه فرستادیم در میان شما از نژاد خودتان فرستاده ای، که بر شما می خواند  
آیاتمان را و شما را پاک می سازد و کتاب و دانش را به شما آموزش می دهد و بیاموزد به  
شما آنچه را که نمی دانستید.

﴿ فاذكروني اذكرکم واشكروا لي ولا تكفرون ﴾ (۱۵۲)

پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاس دارید و نا سپاسیم نکنید.

## لغت

«امتراء»: شك کردن، به گمان افتادن، تردید داشتن، دودل شدن، حدس و تخمین  
زدن، گرفتار پندار و خیال شدن.

«وجهة»: کنار، سوی، جهت، جانب.

«استباق»: پیشی گرفتن، شتاب کردن، جلو افتادن از یکدیگر.

«تزکيه»: پاک و پاکیزه ساختن، تمّو بخشیدن، و در مورد، پاکیزه ساختن روح از هر  
گونه آلودگی و زشتی اخلاقی و عملی، و تمّو و رفعت بخشیدن اندیشه و فکر بشری.  
«حکمت»: دانشی که کردار راست و درست را به آدمی امکان می دهد.

## [ادامه مخالفت یهود جرم و خیانت است]

چون اهل کتاب را در تبلیغات سوء بر علیه مسلمین پیوسته اصرار و ابرامی بود و به





سمپاشی خود در میان مسلمین ادامه می دادند خداوند کریم برای خشتی نمودن و برطرف ساختن نظریات سوء ایشان [در] آیاتی که حاکی از بازگویی حقایق است ضمن تحریض و ترغیب مسلمین به ثبات و اطمینان و یقین در راه اعتقاد نسبت به مکتب اسلام، به کقار نیز هشدار داده اعلام می دارد، که شما به خوبی و کمال رسول خاتم را چون فرزندان خود که هیچ گونه قابل تردید و ابهام نیست می شناسید و در کتب خود علاوه بر نشانی ها و ویژه گی های پیامبر اسلام که عملاً تطبیق یافته، نیز، خوانده اید، که او در حیات خود صاحب و واجد دو قبله است که همان بیت المقدس و کعبه باشد و اینک، تحقق آن خبر را به عیان و وضوح می بینید و به جای این که شما را ایمان و اعتقاد بیفزاید در مقام ستیزه و مجادله به خاطر هوا پرستی و به اصطلاح تثبیت موقعیت، جاه و مقام خیالی، برآمده سعی می کنید مردم مسلمان را از مسیر حق منحرف سازید، که خود جرم و خیانتی است و لذا، فرمود:

### ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾ (۱۴۶)

کسانی که ایشان را کتاب [تورات و انجیل] عطا کردیم می شناسند او را [محمد ﷺ] را [همان گونه که فرزندان خویش شناسند].

یعنی: چطور که در هویت و شناسائی فرزندان خود هیچ تردید و اشتباهی ندارند، به همین نحو با ویژگی هائی که در هر دو کتاب نسبت به علائم حضرت رسول و آثار ظهور آن بزرگوار خواننده و آنها را اینک به تمام و کمال منطبق دیده و هیچ گونه دوگانگی و خلافی بر ایشان مشهود نبود، حضرتش را می شناختند، مع الوصف، ضمن انکار رسالت کوشش داشتند که حتی نشانه ها را مکتوم نگهدارند و لذا فرمود:

### ﴿وَإِنْ فَرِيقًا مِنْهُمْ لِيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ﴾

و به درستی که گروهی از ایشان [یعنی از صاحبان کتاب که ظاهراً دانشمندان و احبار یهود و نصاری است] هر آینه حق را [که عبارت از بعثت و رسالت نبی اکرم ﷺ با همان مشخصات وارده در تورات و انجیل و این که او را در زمان نبوت دو قبله است] پنهان می دارند [تا مبدا دیگران گرایشی به سوی اسلام پیدا کنند و در نتیجه آسیب و لطمه ای به موقعیت مالی و یا حیثیتی ایشان که مبتنی بر هوی و هوس و تبعیت



از افکار شیطانی است وارد آید] و حال آن که ایشان می دانند . که پیامبر ما برحق است و به کردار و رفتار خلافی که خود دارند به خوبی واقفند و لذا، برای توده مردم اعم از مسلمان و سایر ساده لوحان یهود و نصاری، که بی خبر از کتب آسمانی خود هستند و صرفاً به سخنان پیشوایان خود «بدون هیچ گونه بررسی و تحقیق» گوش فرا می دهند - گوشزد می شود که :

﴿الحق من ربك فلا تكونن من الممترين﴾ (۱۴۷)

راستی و درستی [که عبارت از رسالت و شریعت تو است] از جانب خدای توست؛ پس ای شنونده، هیچ گاه تو از کسانی مباش که شك برند و دچار گمان شوند .

### [مورد خطاب در آیه واقعاً پیامبر نیست]

بلکه به صورت یقین و قطع بدان، که با پذیرش این فرمان در جاده مستقیم و راست و به سوی هدف و مقصدی که مرضی خدا است در حرکت بوده ای و هیچ گونه تردید و دو دلی به خود راه مده، از طرفی این فرمان خود نیز، عاملی است که موجب ثبات و پایداری مسلمین در راه صواب بوده و هم قطع طمع و اتمام حجتی برای معاند و کافر و اگر چه خطاب ظاهراً به نبی اکرم است ولی مراد دیگران باشند، زیرا، امر رسالت امری شك و ریب بردار نبوده و وجود وحی از آفتاب برای پیغمبر روشن تر است و می داند که مأموریت از جانب خدا است .

لذا، دستور عدم تردید و شك مربوط به کفار و مشرکین و منافقین و مؤمنین ضعیف الایمان است تا بدانند که این فرمان و سایر دستورات روی هوی و هوس شخصی نیست، بلکه فرمانی است خدائی . و اگر در مقام تشکیک مسلمین هستند از رخنه در صفوف آنان مأیوس و از این که نبی بزرگوار را به زعم خود از دعوت منصرف کنند ناامید شوند و نیز بدانند که او دائماً از جانب پروردگار جهان مورد تأیید بوده و حافظ و نگهبان او خدا است .

سپس چون گوش شنوا و حق نه پوش با وجود استدلال و بیان حقایق، هنوز هم برای عده ای وجود نداشت و گروهی از صاحبان کتاب سماجت و تعصبی نسبت



بقبله خود نشان می دادند، به صورت مدارا و مماشات فرمود:

**﴿وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مَوَلِّیْهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَیْرَاتِ﴾ (۱۴۸)**

و از برای هر قومی [ملّتی و امّتی] سوئی است و قبله ایست که به جانب آن توجّه می کنند و چهره خویش به آن سوی قرار می دهند. یهود نسبت به بیت المقدس نصاری به ناصره و مسلمین را کعبه است هر يك برگرداننده چهره خویش به آن سوی و شریعت است. یا خدای گرداننده است روی آن ملّت را به سوی آن قبله. تا به همه این سروصداها و ایرادات نابه جا خاتمه داده شده و مسلمین نیز، بدانند که دیگر تا روز قیامت قبله شان کعبه است و به جای این گونه ستیزه ها و مجادلات ناروا در اندیشه راه حق و کار نیک برآیند؛ چنان که فرمود: [پس به نیکی ها و کارهای شایسته و پسندیده از یکدیگر سبقت گیرند. نه در جدلهای زشت و ناستوده و آن گاه تهدیداً تذکر داد که:

**﴿اَیْمَا تَكُونُوا یَاتِ بِكُمُ اللّٰهُ جَمِیْعًا﴾**

هر کجا که باشید خدای همگی شما را می آورد. که روز حساب و سرای دیگر و صحنه محشر و قیامت باشد و به چگونگی کردار و رفتار هر فردی رسیدگی شده، هر کس به جزای اعمال خود می رسد چه نیک و یا بد؛ بنابراین تا هنوز جان در کالبد دارید و امکان توبه و بازگشت به سوی خدا برایتان هست فرصت را مغتنم شمرده به سوی او برگردید و به راه طاعت و فرمانبری حق سر فرود آورید و در این چند روزه دنیا گول هوای نفس و اغفال شیطان نخورید و بیدار کار خود باشید، که پس از مرگ راه گریز و مفرّی برایتان نخواهد بود و سپس برای این که موجب استعجاب و شگفتی افراد نشود که چگونه ممکن است همه افراد را خداوند در يك روز و در يك مکان گرد آورد یادآوری فرمود که بدانید:

**﴿إِنَّ اللّٰهَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ﴾**

همانا خداوند بر هر چیز قادر است؛ من جمله جمع آوری شما را همگی، در صحنه ای واحد در روز حشر؛ که جمله اخیر تعلیلی است از مطلب قبل.

### [تغییر قبله منحصر به مکه و مدینه نیست]

بنابراین چون فرمان تغییر قبله صادر گشت در پیرو آن دستور عملی دیگری می‌رسد، که این فرمان نه تنها در محیط مدینه یا مکه است بلکه:

﴿ومن حیث خرجت فولاً وجهک شطر المسجد الحرام﴾ (۱۴۹).

و از هر جا که خارج شوی و به هر جا که بیرون روی پس چهره خویش جانب مسجد الحرام به گردان؛ [در نمازهای پنج‌گانه و مورد امر] زیرا که:

﴿وإنه للحق من ربك﴾

همانا این فرمان هر آینه حق است و درست از جانب پروردگار تو؛ یا ثابت است و قطعی بی هیچ ریب و شک.

﴿وما الله بغافل عما تعملون﴾

و خدا نیست بی خبر از آنچه می‌کنید. که از آن جمله توجه و رو به سوی کعبه نمودن و تسلیم فرمان او شدن باشد و برای این که موضوع به خوبی در ذهن همه افراد تمرکز یافته و یک جنبه همگانی و تام و تمام از نظر مکان و زمان در سراسر گیتی و تا پایان جهان، داشته و فرمانی باشد خلل‌ناپذیر و غیر قابل تغییر، چه در مورد شخص پیامبر و یا سایر مسلمین تأکیداً فرمود که:

﴿ومن حیث خرجت فولاً وجهک شطر المسجد الحرام وحيثما كنتم فولوا وجوهكم شطره﴾ (۱۵۰).

و به هر جا که شوی و به هر سو که بیرون روی چهره خویش فراسوی مسجد الحرام به گردان و نیز، هر کجا که شما [ای امت مسلمان] باشید [هر گوشه‌ای از دنیا] صورتهای خودتان را به جانب مسجد الحرام به گردانید و رو به سوی کعبه کنید. [در نماز جماعت و یا فردی]

﴿لئلا يكون للناس عليكم حجة﴾

تا این که نباشد به زیان شما از طرف مردم هیچ گونه دلیل و برهانی.





### [سرّ تغییر قبله]

زیرا اگر قبله را بیت المقدس مستمرّ بوده و ثابت، یهود زبان می‌گشود: که پیامبر خاتم را به تصریح تورات دو قبله است و تاکنون او را قبله‌ای واحد و این جریان با مضامین تورات تطبیق ندهد پس او نه بر حق است و کیش او باطل و مشرکین نیز، می‌گفتند: که محمد ﷺ مدّعی است که من تابع جدّم ابراهیم خلیل بوده و پیرو مکتب حنیف و کیش توحیدم، با وجود این قبله‌اش بیت المقدس است چون یهود و صاحبان کتاب.

لذا با فرمان فوق دیگر برهان و دلیلی در دست مشرکین و یهود باقی نماند، که بر علیه اسلام اقامه کنند ولی از آنجائی که مردم هواپرست و دنیا دوست همواره در بند جلب منافع و کسب جاه و جلالند در این جا هم، به ویژه دانشمندان و فرمانروایان ستم پیشه دست از فساد و سمپاشی بر نمی‌داشتند، لذا فرمود:

﴿إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ﴾ (۱۵۰).

مگر آنهایی که از این طوایف ستم ورزیدند. که نه پابند گفتار و سخنان و شواهد و دستورات کتاب خود هستند و نه پیرو خرد و دانش و نهاد و سرشت، که گویا نسبت به حقایق کورند و صرفاً چشمشان به مواهب دنیا دوخته و بس، به حدّی که نقل است برخی باز می‌گفتند:

«که تغییر قبله در بیت المقدس به خاطر وطن خواهی و احساس قومیت خودش بوده و کشش هوای دل او را وادار به طرف کعبه نموده». <sup>۱</sup> فریبی و همین گفتار را به زعم خود حجّتی بر علیه رسول اکرم ﷺ قرار می‌دادند و سپس برای دلگیری و دلگرمی مؤمنان، که از اراجیف و احياناً تهدیدات دشمن نهراسند و بلکه ترس و بیم را منحصرأ در مخالفت با اوامر و نواهی پروردگار ویژه گردانند فرمود:

### ﴿فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي﴾

پس از ایشان مترسید و از من بیم دارید. یعنی: از مخالفت من بیم دارید، که جان و



عزّت و آبرو و حیثیت و مقام و موقعیت و مال و منال شما، کم و زیادش در دست من است نه دشمنان خدا و شما اگر فرمان حق برید و پیرو دستور رسول او گردید نعمت خویش بر شما فزونی دهد، چنان که یاد کرد:

﴿ولاتم نعمتی علیکم ولعلکم تهتدون﴾

و تا این که نعمت خویش بر شما تمام کنم و باشد که شما رهنمون شوید.



### [ثمره استقامت]

یعنی: بر اثر این استقامت، در امور دیگر نیز، توفیقات بیشتری به شما دهم و دست دشمنان را از شما کوتاه و قدرت و تمکّن زیادتری اعطاء کرده تا دشمن از شما هراسد و در نتیجه از ایراد این گونه سخنان مبتذل باز ایستد.

﴿کما أرسلنا فیکم رسولا منکم﴾ (۱۵۱).

همان گونه که در میان شما رسولی از جنس خودتان فرستادیم.

### [خدمتهای پیامبر به جامعه مسلمین از زبان قرآن]

که سخن او را به نیکی و روشنی می فهمید و سوابق او را از لحاظ امانت و درستی می دانید و نیاکان و اجدادش به پاکی و خوبی می شناسید و نیز، ملاحظه کردید که چگونه شما را از مهلکهٔ شرک و جهل نجات بخشید و دشمنان بت پرست و مفسده جو را سرکوب و از صحنهٔ قدرت خانه نشین ساخت و اینک، هم مشهود شما است که همواره:

﴿یتلوا علیکم آیاتنا﴾

آیات و سخنان الهی را بر شما می خواند. همان آیات و گفتاری که بشر را از لحاظ تربیت جسم و جان و اعتقاد و ایمان و دید نیکو در روش زندگی و رُقی روحی و معنوی و انسانیت و آدم سازی، در حدّ والا و شایسته ترین مکتب است.

﴿ویزّیکم﴾

و شما را پاک می کند. از جهل و تعصّبات بی جا، از کفر و شرک و هر گونه رفتار



ناستوده و زشت و کردار نابخردانه و ناپسند و شما را نموّ می دهد به کمالات نیکو و شایسته و روش های عالی و بایسته، اعم از مادی و معنوی و دنیوی و اخروی .

### ﴿ويعلمكم الكتاب والحكمة﴾

و به شما می آموزد قرآن و دانش را. قرآن، همان کتابی که مایهٔ بهترین سعادت در دو سرا است و حکمت، که معالم دین و معارف الهی را در نیکوترین وجه بیان می کند و کم و کاستی در امر دنیا و آخرت فرو گذار نکرده است .

### ﴿ويعلمكم ما لم تكونوا تعلمون﴾

و می آموزد به شما آنچه را که نمی دانستید. و شما را این قدرت و توان در خور نبود، که به همهٔ این حقایق گذشته و آینده و بیان احکام سعادت بخش جامعه بشری و فضائل اخلاقی و کمالات معنوی و روحی و ایمانی از راه اندیشه و فکر نارسا به تنهایی یا دسته جمعی رسوخ کرده، پی ببرید، بنابراین :

### ﴿فاذكروني اذكرکم﴾ (۱۵۲).

پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم. یعنی: غافل از من نباشید، مرا فراموش نکنید، که منعم حقیقی شما در همه امور منم، همان گونه که با فرستادن رسولی شما را عزّت و شرافت فراهم آمد و تمکّن و قدرت حاصل گشت .

در روایتی است: که یاد خدای متعال تنها به ذکر زبانی نیست، بلکه ذکر عالی و نیکوتر آن وقتی است که بنده ای را معصیتی پیش آید و حین اراده به ارتکاب، به یاد خدا افتد و دست از انجام آن گناه که خلاف رضای او است بردارد و جلال و عظمت خدای و بزرگی و کبریائی حق، ربّ بودن او، منعمیت و جباریتش و عقاب و لطفش را در نظر گیرد و از اقدام به گناه باز ایستد، در این موقع است که خدای مهربان هم به یاد او است و با دادن نعمت های گوناگون و رحمت بی پایان یاریش کند و توفیقاتش را در انجام امور خیر فراوان سازد.<sup>۱</sup>

### ﴿واشكروالی ولا تكفرون﴾ (۱۵۲).

۱. یا علی ثلاث لا تطيقها هذه الامة: المواساة للاخ في ماله، وانصاف الناس من نفسه، وذكر الله على كل حال، وليس هو» سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله و الله أكبر» ولكن إذا ورد على ما يحرم عليه خاف الله عز وجل عنده وتركه، الخصال، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۱۲۲ .

و سپاس مرا گوئید و ناسپاسیِّم نکنید در برابر مواهب و نعمت‌ها، که هر نعمتی هست از جانب خدا است و بخشش و نِعَم او را شماره نیست، پس سپاسش واجب و کفرانش ناروا، گرچه در حدیثی است: که شکر حق تنها به گفتن يك «الحمد لله» صحیح است و تحقق‌پذیر ولی شکر‌گذاری واقعی و در سطح اعلا، این که شخص در برابر نِعَم الهی به طاعت و فرمانبرداری در اوامر و نواهی قیام کند و هیچ‌گاه نافرمانی درباره هیچ حکمی از او سر نزند و این توفیق را باید از او خواست، چنانکه از آیه بعد پیدا است.<sup>۱</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. حدثنا محمد بن علی ماجیلویه رضي الله عنه قال: حدثنا محمد بن يحيى العطار، عن محمد بن أحمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد السيارى باسناده رفعه إلى أبي - حمزة الثمالي، عن علي بن الحسين عليه السلام قال: قلت: قولك مجدوا الله في خمس كلمات ما هي؟ قال: إذا قلت « سبحان الله وبحمده » رفعت الله تبارك وتعالى عما يقول العادلون به، فإذا قلت: « لا إله إلا الله وحده لا شريك له » فهي كلمة الاخلاص التي لا يقولها عبد إلا أعتقه الله من النار إلا المستكبرين والجبارين، ومن قال « لا حول ولا قوة إلا بالله » فوض الأمر إلى الله عزوجل، ومن قال: « أستغفر الله وأتوب إليه » فليس بمستكبر ولا جبار، إن المستكبر الذي يصر على الذنب الذي قد غلبه هواه فيه وأثر دنياه على آخرته، ومن قال: الحمد لله فقد أدى شكر كل نعمة لله عزوجل عليه. الخصال، ج ۱، ص ۲۹۹، ح ۷۲.